

دماوند با چاشنی زبان انگلیسی

کلیپ جالبی از انگلیسی صحبت کردن یک مرد سالخورده که در دماوند قاطر کرایه می دهد منتشر شده، به این بهانه، ضمن گفت و گو با این مرد باصفا، از مسیر ها و تجهیزات لازم برای صعود به دماوند گفتیم

یک پیر مرد روستایی که جلوی دکه ای فلزی ایستاده و خیلی شیرین و مسلط انگلیسی صحبت می کند؛ تسلط

خوب و بیان روان

اوو کوهنوردانی که با چشم های گرد دورش حلقه زده اند محتوای کلیپ پر باز دید یکی دو روز اخیر در فضای مجازی را تشکیل می دهد. گشتیم و گشتیم تا آقای «مسعود بایه» را پیدا کردیم و او با مهربانی پذیرفت گپی با ما بزند و بگوید چطور این قدر خوب زبان انگلیسی را یاد گرفته که با گردشگر ها انگلیسی صحبت می کند. در کنار این گپ خودمانی و خواندنی، مسیر ها و تجهیزات لازم برای رفتن به دماوند را برای زمان های مختلف بررسی کردیم. یادی هم کرده ایم از عکاسی که با هنرش، شکوه دماوند را ثبت کرده است. در این پرونده خواندنی با ما باشید.

مسیرهایی برای یک فتح جذاب

تا به حال کوهنوردان زیادی به شوق فتح دماوند، این قله را پیموده و به مقصد رسیده اند. توصیف هر کدام از صعود کننده ها مانند مسیر رسیدن به فتح قله متفاوت است. درباره مسیرهای ۴ گانه اصلی دماوند در این مطلب بیشتر خواهید خواند.

جبهه شمالی سخت ترین مسیر

مسیر شمالی از سخت ترین و پر شیب ترین مسیرهای چهار گانه اصلی است. صعود از این مسیر توسط گروه ها به طور معمول در قالب یک برنامه دویا دوو نیم روزه صورت می گیرد. کوهنوردها بعد از رسیدن به سنگ استراحت در ارتفاع ۲۹۰۰ متری، کوله ها را به قاطرچی ها می سپارند و خود را به جان پناه اول می رسانند.

جبهه جنوبی فتح بی در دسر

کوهنوردان معتقدند جبهه جنوبی که از قدیمی ترین مسیرهای فتح دماوند است جزو آسان ترین راه های رسیدن به این قله به شمار می آید. برای دسترسی به این مسیر باید به پلورورینه بروید. در اواسط راه یک مسیر رامی بینید که خاکی و ناهموار به سمت شمال است و تا پایه صعود حدود ۶/۵ کیلومتر فاصله دارد.

جبهه غربی کوتاه ولی سخت

جاده هراز، پلور و جاده سدلا؛ این نقشه راه جبهه غربی است. شیب رسیدن به قله از جبهه غربی بسیار زیاد است اما همین قضیه شاید باعث کوتاه تر شدن مسیر شود. شما برای رسیدن به قله نیاز دارید از این شیب تند که سنگلاخ هم هست به سمت قله حرکت کنید.

جبهه شمال شرقی دو کانه طولانی

جبهه شمال شرقی از دیگر مسیر ها طولانی تر و بلندتر است. برای این صعود، دو مسیر متفاوت وجود دارد؛ روستای گزنه یا گزانه و روستای ناندل. البته این دو مسیر جایی به هم می رسند که به پناهگاه تخت فریدون معروف است و پس از آن صعود از جبهه شمال شرقی یک مسیر مشخص و یکسان دارد.

ملزومات صعود به دماوند

بهترین فصل صعود به دماوند، ماه های تیر و مرداد است اما می توان در فصول دیگر هم به این قله صعود کرد. وسایل ضروری برای صعود به این منطقه با توجه به تعداد روز ها و آب و هوا متفاوت است.

🕒 سفر یک روزه در فصل گرم | اگر قصد دارید در فصل های نیمه اول سال و به ویژه تابستان، سفری یک روزه به دماوند داشته باشید، به شما همراه داشتن وسایل را توصیه می کنیم: پیراهن یا لباس آستین بلند، کاپشن با دیگر، کلاه، کفش مناسب کوهنوردی، عصای کوهنوردی، هد لامپ یا چراغ سر، کرم ضد آفتاب، عینک آفتابی، وسایل کمک های اولیه، آب به مقدار کافی و مواد غذایی سبک و مناسب.

🕒 سفر یک روزه در فصل سرد | سفر در فصول سرد به دلیل طغیان رودخانه ها و توفان در این مناطق نیازمند توجه بیشتری به وسایل است و این موارد عبارت اند از: کاپشن تک پوش نیمه سنگین، کاپشن و شلوار بادگیر، لایه گرمایی مناسب برای دمای منفی ۲۰ درجه سانتی گراد، عینک و کلاه مناسب برای کولاک، دستکش ششمی یا پالار، روکش ضد باد و ضد آب، فلاسک آب و چای، مواد غذایی به مقدار کافی و مغذی.

🕒 سفر های چند روزه | اگر قصد دارید بیشتر از یک روز برای صعود به قله دماوند بروید، بهتر است پیش از رفتن از شرایط آب و هوایی منطقه مطلع و حتما با گروه های کوهنوردی همراه شوید. اما وسایل مهم و ضروری عبارت اند از: کفش مناسب کوهنوردی، کاپشن و شلوار بادگیر، لایه عایق گرمایی ذخیره مناسب با فصل، عینک آفتابی، کیف کمری، کلاه مناسب با فصل، روکش ضد آب و ضد باد، وسایل کمک های اولیه، هد لامپ به همراه باتری اضافه، کیسه خواب صفر درجه، زیر انداز ضد آب، فلاسک و لوازم مناسب برای شب ماندن در کوه نظیر اجاق گاز مناسب کوهنوردی و ظروف برای غذا.



ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه ۳ شهریور ۱۴۰۱

۲۷ محرم ۱۴۴۴ • ۲۵ آگوست ۲۰۲۲

شماره ۲۱۰۷

۲۳۳۷

زبان انگلیسی را در صحبت با گردشگرها یاد گرفتم

گفت و گو با «مسعود بایه» که در مسیر قله دماوند قاطر اجاره می دهد و ویدئوی انگلیسی صحبت کردنش در شبکه های اجتماعی پر باز دید شد

مجید حسین زاده | روزنامه نگار

یکی از پر باز دید ترین ویدئوهای چند روز اخیر مربوط به انگلیسی صحبت کردن مردی است که گفته شده در مسیر قله دماوند، قاطر اجاره می دهد. او در بخش هایی از این ویدئو به مشتری اش که آن طرف خط تلفن است، می گوید: «Faster, quick», «i wating for you. by». کاربران زیادی هم درباره این ویدئو، کامنت های شوخی و جدی گذاشتند. مثلا کاربری نوشت: «جالبی اش این جاست که فن مذاکره هم بلده. گفت چون دیر کردی سری دوم می برم، پول بیشتری هم باید بدی یعنی منت هم سرش گذاشت!» در مینی پرونده امروز زندگی سلام با «مسعود بایه» درباره این ویدئو، شغلش و این که چطور زبان انگلیسی را یاد گرفته، صحبت خواهیم کرد.

🕒 ۵۹ ساله ام و بومی شهر «رینه»

هر سال گردشگران داخلی و خارجی زیادی برای صعود به دماوند زیبا و باشکوه، مسیر جاده هراز، روستای پلور، رینه و گوسفندسرا را انتخاب می کنند. دکه «مسعود بایه» در گوسفندسراست. او راهنمای مشهور کوهستان در مسیر جنوبی دماوند است که مجوز حمل و نقل بار با قاطر به بارگاه سوم دماوند یا همان پناهگاه فدراسیون در ارتفاع ۴۲۰۰ متر را دارد. این مرد خوش برخورد به محض این که تماس ما را پاسخ می دهد، بایک صدای پرانرژی می گوید: «سلام، جان دلم، در خدمتم.» او درباره خودش می گوید: «۵۹ ساله هستم و بومی شهر رینه. از سال ها پیش در این جاده دارم و مشغول به کار هستم. برادر هم با من کار می کند.»

🕒 تلفنی با گردشگر صربستانی حرف می زدم

از او می پرسم ویدئویی که در شبکه های اجتماعی پر باز دید شده را دیده یا نه که می گوید: «یس، یس! البته من کاری نکردم. سال هاست همین طوری صحبت می کنم. نمی دانم چه کسی از من فیلم گرفته و در شبکه های اجتماعی منتشر کرده است. آن موقع داشتم با یک گردشگر صربستانی صحبت می کردم. آن ها در راه بودند، قرار بود ساعت ۸ صبح بیایند تا بارشان را برای شان ببرم بالا. ساعت ۸ نیامدند، ۹ نیامدند و ۱۰ هم نیامدند. بیش از هزار کوهنورد در آن جا بودند و من قاطر هایم را چون به آن گردشگر قول داده بودم، بسته بودم و منتظر شان بودم تا بیایند و کار آن ها را راه بیندازم. گفتم حالا که آن ها به من ایمیل زدند و من هم قول دادم، باید سر حرف بمانم. می دانستم که آن ها ۱۵ نفر هستند. اما خیلی دیر کردند و آن ویدئویی که در شبکه های اجتماعی منتشر شده، مربوط به زمانی است که به آن ها می گفتم خیلی منتظر تان ماندم، تا چه زمانی می رسید؟ و... بالاخره ساعت یک ظهر آمدند، بارشان را روی قاطر ها گذاشتم و برای شان بردم بالا.»

🕒 زبان انگلیسی را بدون کلاس یاد گرفتم

او درباره این که چطور این قدر سلیس زبان انگلیسی را یاد گرفته و آیا کلاس رفته یا نه، می گوید: «انگلیسی را در همین ایستگاه و زمانی که کار می کنم، به مرور یاد گرفتم. چون مشتری خارجی زیاد دارم، کلمات مهمی را که باید برای ارتباط با آن ها بلد باشم، به صورت تجربی یاد گرفتم و می گویند لهجه ام هم شبیه آن ها شده است. برای یادگیری زبان، کلاس نرفتم. سال ۶۰، زمانی که کلاس نهم بودم، ترک تحصیل کردم و دیگر بعد از آن سر هیچ کلاسی نرفتم و این ها را فقط از حرف زدن با گردشگران خارجی یاد گرفتم.»

🕒 ۳۵ سال است که مشغول باربری هستم

از او می پرسم شغلش دقیقا چیست که می گوید: «من ۳۵ سال است که در دماوند کار می کنم. مشغول باربری با قاطر در دماوند و راهنمای کوهستان هستم و در خدمت مردم. پنج قاطر هم دارم. این را هم بگویم هر زمان که با گردشگر های خارجی، انگلیسی صحبت می کنم، مشتری هایم تعجب می کنند که این قدر مسلط هستم.»

🕒 از صدا و سیما و محیط زیست به من زنگ زدند

از او درباره شرایطش بعد از انتشار این ویدئوی پر باز دید می پرسم که می گوید: «بعد از انتشار آن ویدئو، فقط امروز نزدیک ۱۰۰ نفر آمدند و می گویند که ما می خواهیم تا تو عکس یادگاری بگیریم! سرم خیلی شلوغ شده. از صدا و سیما و محیط زیست و کوهنوردی و... در چند ساعت گذشته به من زنگ زدند و قرار است فردا بیایند این جا. راستش را بخواهید به آن ها گفتم که من فردا نیستم و در این موقع از سال، معمولا سرم خیلی شلوغ است. الان هوا برای کوهنوردی خیلی عالی است و بالای هزار یا ۱۵۰۰ نفر فقط امروز برای صعود به دماوند به این جا آمدند.»

🕒 با قاطر هایم بعد از سقوط هواپیما به کمک مردم رفتم

بسیاری از کاربران شبکه های اجتماعی که او را می شناسند، کامنت های جالبی درباره رفتار های تحسین برانگیزش نوشتند. مثلا کاربری نوشته: «به یاد دارم که در بمباران شهر کرمانشاه در زمان جنگ تحمیلی با عراق، تلگرافی از طرف این خانواده محترم «بایه» برای من آمد که در صورت تخلیه شهر، این جابرای شما و خانواده و آشنایان، محلی را در نظر گرفته ایم و آماده پذیرش شما هستیم که همین صفت جوانمردی ما را دلگرم و امیدوار کرد و دانستیم که همچنان هستند کسانی که به یاد موقعیت وخیم و خطرناک دیگران هستند، گر چه خودشان در امان بودند.» از او درباره این ماجرا می پرسم که می گوید: «بله، یادم هست. من در خدمت مردم هستم. اگر یادتان باشد یک هواپیما هم دویا سه سال پیش در بیابان های اطراف همین منطقه سقوط کرد، من کارم را تعطیل کردم و با قاطر هایم برای کمک به آن قدری هم که از دستم برمی آمد، کمک کردم.»

